

من آنجا بودم

یک خاطره یک عکس

◄جیشد یابرامی
این عکس مربوط می‌شود به مراسم حج بر روی کوه جبل‌الرحمه، به نقلی آدم و حوا اینجا همدیگر را یافته‌اند. موقعی که در مراسم عکس می‌گرفتم ابتدا به من گفتند نباید بر روی کوه بروم چون از محدوده خارج می‌شوم ولی از آنجایی که برایم جذابیت داشت به آنجا رفتم. از دور که به کوه نگاه می‌کردم اینقدر حاجی روی کوه رفته بودند که مانند کوهی بود که برف آن را پوشانده است و زمانی که شروع به عکاسی کردم نکته جالب این بود که تمام حاجی‌ها از سراسر دنیا، هر کسی یک گوشه‌ای برای خودش پیدا کرده و در سایه‌ای برای خودش خلوت کرده بود و تنوع حاجی‌ها و تنوع فرهنگ‌ها و تنوع تمدن‌ها را می‌شد مشاهده کرد. عراقی، افغانی، هندی، ایرانی و ترک. چهره‌ها نشان می‌داد چه تنوعی در میان آنها وجود دارد ولی همه آنها در آن روز و آن ساعت یک زبان مشترک داشتند و آن هم زبان نیایش بود و هرکسی از آن گوشه‌ای که بود در حال دعا کردن بود و قرآن می‌خواند. هرکسی در یک گوشه‌ای ناله‌ای می‌کرد و نجوا می‌شنید. و من معتقدم این کوه یکی مقدس‌ترین جاهای جهان است چون در سال میلیون‌ها حاجی می‌آیند گریه می‌کنند، وضو می‌گیرند و نماز می‌خوانند و کوهی است که این همه اشک در آن ریخته است و نمی‌توان آن را یک کوه ساده سنگی فرض کرد. حداقل این کوه برای من ارزش زیادی دارد. کسی که در این عکس چتر به دست ایستاده است را به عنوان یک سمبل در نظر گرفتم و سعی کردم در عکاسی خیلی به آدم‌ها و خلوت‌شان نزدیک نشوم و فضای نیایش آنها را به هم نریزم.



► پیام بر از جانی

هنگامه گلستان همسر کاوه گلستان عکاس و فیلمبردار ایرانی است که در ۱۳ فروردین ۱۳۸۲ هنگام انجام ماموریت تصویربرداری برای شبکه خبری بی‌بی‌سی در خط مقدم جنگ در شهر مرزی کفری در ۱۲۰ کیلومتری کرکوک در عراق که تحت کنترل اتحاد میهنی کردستان بود، بر اثر انفجار مین گشته شد. بعد از سال‌ها که کاوه گلستان عکاسی را کنار گذاشته بود و پس از این هفت سال که از کشته شدن او می‌گذرد نمایشگاه عکسی با عنوان «توانا بود هر که دانا بود» که منتخبی است از عکس‌های مجموعه بچه‌های مدرسه او در گالری «شماره ۶» در تهران برگزار شده است. این نمایشگاه تا فردا ۲۴ آبان‌ماه ادامه دارد. به همین منظور گفت‌وگویی با همسر او انجام دادیم که از نظر می‌گذرد.
قبل از این گفت‌و گو ده‌چمنی مدیر گالری ۶ درباره این نمایشگاه اشاره کرد: این نمایشگاه مانند نمایشگاه قبلی این گالری بازدیدکننده بسیاری داشته است. اتفاقی بی‌نظیر در حوزه عکاسی در کشور بوده است چون بعد از سی و اندی سال که کاوه گلستان نمایشگاه انفرادی نداشته، برگزار شده است و روزانه بازدیدکننده زیادی که شامل اقشار فرهنگی و دانشجویان می‌شود، دارد ولی ظاهراً و متأسفانه جامعه متمول هیچ علاقه‌ای به نمایشگاه‌های عکاسی خوب ندارد و فقط قشر دانشجو و فرهنگی حضور پیدا می‌کنند که توان خرید آثار را ندارند. هنوز کاری از این نمایشگاه فروش نرفته است و بسیار متعجبم که در این نمایشگاه هیچ اثری از کاوه گلستانی که دیگر بین ما نیست از سوی هیچ کلکسیونری خریداری نشده است.

وی ادامه داد: پیش‌زمینه این نمایشگاه به نمایشگاه گذشته این گالری مربوط می‌شود؛ نمایشگاهی با عنوان تداوم که شامل آثاری از ۲۳ نفر از عکاسان مشهور بود و تصمیم داریم پروژه‌های دیده نشده این عکاسان را منتخب کنیم و به نمایش بگذاریم. همچنین این آثار و این نمایشگاه تماماً از سوی خانم هنگامه گلستان انتخاب شده است.

–ممکن است درباره این نمایشگاه و آثار آن توضیح دهید و اینکه آیا تا به حال این آثار در جایی به نمایش در آمده یا منتشر شده بود؟
این آثار توسط کاوه در سال ۵۱ عکاسی شده است. آن موقع کاوه در مجله‌ای برای کودکان کار می‌کرد به نام پیک در نوجوان یا کودک که دقیق یادم نیست که برای انتشارات فرانکلین بود. انتشارات فرانکلین آن موقع کتب درسی را منتشر می‌کرد و خواسته بودند کاوه به چندین منطقه با تنوع آب و هوایی متفاوت برود، مثل قزوین و کاشان، تا آنها ببینند این کتاب‌هایی که چاپ می‌کنند برای چه کسانی است و این بچه‌هایی که این کتاب‌ها را می‌خوانند در چه وضعیتی زندگی می‌کنند. ما با هم به یک مسافرت طولانی به اصفهان و کاشان و قزوین که شامل روستاهای دورافتاده می‌شد رفتیم و عکس‌هایی گرفتیم. چون مجموعه آثار قابل توجه شده بود و مجموعه خوبی از آب در آمده بود نمایشگاهی

را نیز در گالری سیحون برگزار کردیم.

– همین عکس‌ها بود؟

همین عکس‌ها بود، عنوان نمایشگاه هم همین «توانا بود هر که دانا بود» بود که قدیم‌ها روی تمام کتاب‌های درسی نوشته می‌شد. این نمایشگاه اواخر سال ۵۱ یا شاید اوایل سال ۵۲ بود.

– به غیر از آن نمایشگاه از عکس‌ها



استفاده دیگری هم شده بود؟

بله، چند روز پیش که داشتم آرشیویمان را نگاه می‌کردم، دیدم مجله‌های زیادی هم در آن زمان این عکس‌ها را منتشر کرده بودند. – این مجموعه شامل همین تعداد عکس است یا اینکه در این نمایشگاه منتخبی به نمایش درآمده است؟
تعداد آثار بیشتر است. آن زمان در گالری سیحون عکس‌های بیشتری به نمایش درآمده بود ولی اینجا به دلیل محدودیت جا و درخواست گالری ۳۰ قطعه عکس را به نمایش گذاشتم.

– علت برگزاری این نمایشگاه چه بود؟
قبل از این نمایشگاه یک نمایشگاه گروهی برگزار شده بود که در آن کاوه هم عکس داشت و مسوول این گالری به من پیشنهاد یک نمایشگاه انفرادی برای کاوه داد و من هم استقبال کردم. – در این شش هفت سال این چندمین نمایشگاهی است که از آثار کاوه برگزار شده است؟
در ایران به غیر از این نمایشگاه یک نمایشگاه دیگر بوده در خانه هنرمندان از مجموعه روسی و کارگر و بقیه نمایشگاه‌هایی که برگزار شده است هیچ کدام انفرادی نبوده است. اما در لندن و اسکانلند و هلند و برلین هم نمایشگاه‌های زیادی از آثار کاوه برگزار شده است. در سال گذشته حدوداً پنج نمایشگاه از آثار کاوه در تمام بریتانیا برگزار شد. – علت این نمایشگاه‌ها چه بوده است؟
اولین دلیل این نمایشگاه‌ها وجود دانشگاهی

۱

سال پنجم ■ شماره ۱۱۱۲ ■ یکشنبه ۲۳ آبان ۱۳۸۹

◄برعکس ۱۵



۱

گفت‌و‌گو با هنگامه گلستان درباره نمایشگاه کاوه گلستان

می‌خواهم فکر و حس کاوه نسبت به مردم ترویج شود

در یکی از شهرهای اسکانلند است که به تازگی بخشی به نام ایرانشناسی راه انداخته‌اند

که دعوتی از ما داشتند که نمایشگاهی از عکس‌های انقلاب کاوه برگزار کنیم. نکته جالب این نمایشگاه بچه‌هایی بودند که تا به حال انقلاب را ندیده بودند. پس از اینکه این نمایشگاه در اسکانلند برگزار شد در دانشکده اوایل سال ۵۲ بود.

– به غیر از آن نمایشگاه از عکس‌ها

از آن اتفاق ایده‌ای جدید وجود خواهد داشت. شما برنامه‌ای در ذهن داشتید یا فقط خواستید آن مسابقه نباشد؟

همان طور که گفتید آن مسابقه به علت‌هایی درست کار نمی‌کرد. بنابراین ما سعی کردیم آن را متوقف کنیم و آن طوری که خودمان می‌خواهیم انجامش دهیم. جایگزین آن مسابقه شروع کردم نمایشگاه گذاشتم و کتاب



ساختمان بی‌بی‌سی برگزار شد. سالی یک بار این ساختمان برای دیدن عموم باز می‌شود که آن زمان را وقت مناسبی تشخیص دادم تا نمایشگاهی از آثار کاوه برگزار شود.

– برنامه‌ای برای نمایش همان آثار در ایران ندارید؟

کتاب کاوه درآمده است و ما داریم سعی می‌کنیم کتاب کاوه را به فارسی منتشر کنیم و بعد از انتشار آن شاءالله سعی می‌کنیم به نمایش هم بگذاریم.

– عکس‌های این نمایشگاه را چگونه انتخاب کردید؟

من همیشه عکس‌های کاوه را بر اساس منتخبی که خود او از آثارش داشت انتخاب می‌کنم. همیشه عکس‌هایی بود که کاوه آنها را خیلی دوست داشت و برایش نامی هم انتخاب می‌کرد. من در انتخاب به آنها توجه می‌کنم. البته چند تا هم انتخاب کردم که کسی تا به حال آنها را ندیده باشد.

– استقبال از نمایشگاه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

البته من به غیر از روز افتتاح روز دیگری نبودم اما غالباً دانشجویان و جوانان به نمایشگاه آمده‌اند.

– شما می‌دانید ایشان سال‌های متمادی تدریس می‌کردند و طرفداران بسیار زیادی در بین دانشجویان و جوانان دارند. بعد از مرگ ایشان چند سالی مسابقه‌ای با نام ایشان برگزار می‌شد که طرفداران و شرکت‌کنندگان زیادی هم داشت اما به دلایلی متوقف شد. به نظر می‌رسید بعد

جنگ که تمام شد تقریباً دیگر کار عکاسی او تمام شد. البته دوربین داشت و عکاسی می‌کرد یا حتی در فیلم‌هایی هم که می‌ساخت همیشه

به اینکه چه عکس‌هایی در آن فیلم هست اشاره می‌کرد. بعد از جنگ شروع کرد با تلویزیون آسوشیتدپرس که با کاوه راه‌اندازی شده بود کار کرد و بعد هم با بی‌بی‌سی که باز هم دفتری در تهران داشت شروع کرد.

– این عبور از عکاسی به فیلمبرداری علت خاصی داشت، با اینکه خیلی به عکاسی علاقه داشتند؟
خودش اصلاً گمان نمی‌کرد که عکاسی را رها کرده است. می‌گفت این ادامه عکاسی است و چون عکاسی کند پیش می‌رود و فیلم در کار خبر سرعت بیشتری دارد و زودتر منتشر می‌شود من این کار را می‌کنم. علاقه اصلی کاوه اشاره شده است که برگرفته از صدای قارقار بلاغ است و تم مفهومی آن بر افسانه‌ها و اسطوره‌هایی که درباره این پرنده وجود دارد، تمرکز دارد و عکس‌ها بیشتر با رنگ‌های سفید و طیف‌های خاکستری تصویر شده‌اند. با توجه به مفهومی بودن این نمایشگاه فانک موسوسی با طراحی یک چیدمان و مانی بیات با طراحی صدا تلاش می‌کنند به انتقال مفاهیم عکس‌های این نمایشگاه کمک کنند. کیانیان در این نمایشگاه ۲۰ عکس منتشر می‌شود و ببینده بیشتری هم دارد. این تنها علت این کار بود.

– در این مدت مجموعه یا عکس خاصی هم کار کرده بودند؟

نه تمام انرژی خودش را روی همان گزارش‌هایی گذاشته بود که برای تلویزیون‌هایی که با آنها کار می‌کرد، می‌گرفت.

– بعد از دو مجموعه‌ای که تا به حال به نمایش درآمده آیا مجموعه‌های دیگری هم هست که در آینده به نمایش درآیند؟
تصمیم دارم تمام عکس‌هایش را به تنواب منتشر کنم و به نمایش بگذارم. مثلاً مجموعه‌های خوبی مانند کارگران کارخانه‌ها، کارگران معدن، کشاورزان و مجموعه‌ای از هنرهایی که در ایران در حال از بین رفتن بود و دیگر عکس‌هایی که دارد.

– معمولاً در مورد کسانی که مانند کاوه مشهور و موثر بوده‌اند از طرف دولت‌ها یا مجموعه‌های بزرگ تمایلی برای انتشار و معرفی بیشتر آثار آنها وجود دارد، آیا برای ایشان هم این اتفاق افتاده است؟

همیشه ما بودیم که پیشنهاددهنده بودیم. حتی در قدیم هم همین طور بود. کاوه کاری را که علاقه داشت اصرار می‌کرد و انجام می‌داد اما

شاید من بعد از او به اندازه کافی اصرار نکردم. البته گاهی اوقات بنا بر مناسبت‌های متفاوت سراغم می‌آیند.

– اشاره کردید به راه‌اندازی سایت کاوه. در وب‌سایت چه مطالبی قرار است منتشر شود؟

در ابتدا سایتی برای کاوه راه‌اندازی کردیم تا کسانی که می‌خواهند بداندند کاوه کیست در تمام جهان به آن مراجعه کنند. بعد چون اشکالات متعددی در کار پیدا شد ادامه پیدا نکرد. الان در حال بازسازی آن هستیم. روی سایت در ابتدا با انتشار کارها و آثار دیگر کاوه مطالب درباره او شروع خواهیم کرد. بعد هم اگر ادامه یافت کارهای بیشتری از کاوه و جریان جایزه را هم انجام خواهیم داد. حتی علاقه دارم از این امکانی که من نمی‌ی از سال در ایران و نمی‌دیگر در انگلیس هستم بهره‌برداری کنم تا ارتباط بین عکاسان و گالری‌ها برقرار کنم و مانند مرکزی باشد که بتواند به عکاسان و روابط آنها کمک کند.

◄فک پلاک ۱۵

◄آتش آدامز/ ترجمه: سولماز حدادیان

عکاس خوب کیست

عکس بگیر، حرف زن

روزی اُرتور پاپ، یکی از پیشک‌سوتان هنر به من گفت: «هنرمند هرگز نباید درباره هنرش چیزی بنویسد.» و کاملاً حق با او بود. هنرمند باید به وسیله رسانه‌ای که در اختیار می‌گیرد حرفش را بزند. رونویسی از عقاید و افکار با استفاده از کلمات، تقریباً همیشه ناقص از آب درمی‌آید نمی‌تواند حس مورد نظر را به خوبی القا کند. همه ما حرف می‌زنیم و می‌نویسیم و سخنرانی می‌کنیم، اما خیلی بهتر بود اگر همه این حرف‌ها را می‌توانستیم با عکاسی بگوییم. هر چه باشد ما عکاس هستیم. اگر عکس‌هایمان بتوانند آنچه را که باید بگویند دیگر باری ماندگار کردن آن عکس‌ها نیازی به شرح و توضیح و استفاده از کلمات نداریم و دیگر اهمیتی ندارد منتقدان وسواسی و بهانه‌گیر درباره آن عکس‌ها چه بگویند. البته احتمالاً همه این چیزها را خوب می‌دانیم، اما باز هم به نوشتن و سخنرانی کردن ادامه می‌دهیم. فلان عکاس درباره عکس من چیزی می‌نویسد، من درباره عکس خودم یا او چیزی می‌نویسیم، آن یکی هم چیزی دیگر می‌نویسد. چه نتیجه‌ای دارد؟ می‌توانیم به جای نوشتن از عکس‌هایمان تلاش کنیم عکس‌های بهتری بگیریم. اگر نتوانیم اصول عکاسی‌مان را در عکس‌هایمان منعکس کنیم، مطمئناً در نوشته‌هایمان از عکاسی هم نمی‌توانیم آن اصول را توضیح دهیم. انگار همه ما از یک چیز هراس داریم. می‌ترسیم نکند مخاطبمان عکس‌مان را درک نکند. برای همین شروع می‌کنیم به شرح و تفسیر و آنقدر با کلمات بازی می‌کنیم که کاملاً غیرقابل فهم می‌شود. به نظر من تنها چیزی که اجازه داریم درباره‌اش بنویسیم، توضیح نکات تکنیکی عکس و تاریخ گرفتن آن است. اما سخنرانی درباره کیفیت و زیبایی عکس فقط بازی با کلمات است. چون هیچ کلمه‌ای نمی‌تواند این ویژگی‌ها را به خوبی القا کند و همان عکس چاپ شده است که اگر خوب باشد خودش این ویژگی‌ها را به مخاطب منتقل می‌کند.

اوژن من و فلان عکاس می‌خواهیم با هم بحث و جدل کنیم بهتر است با عکس‌هایمان این کار را انجام دهیم نه با قلم‌مان. می‌دانم که تقریباً همه عکاسان با این حرف من موافق‌اند، اما همه‌مان باز هم می‌نویسیم و می‌نویسیم.

اعتراف می‌کنم که خود من هم بارها خودم را با نوشته‌ها و سخنرانی‌هایم در معرض پرتاب گوجه‌فرنگی و آجرهای محکم و مرغوب قرار داده‌ام و احتمالاً سزاوار آن بوده‌ام. چندی پیش در جمع گروهی از دوربین به دست‌ها چند جمله‌ای سخنرانی کردم و چیزی که دست آخر نصیبم شد این بود: ۱– همان چیزهایی را که همیشه در عکس‌هایم منعکس می‌کرده‌ام با کلامم به طور ناقص تکرار کرده بودم. ۲– به هیچ ایده تکنیکی مفیدی اشاره نکرده بودم. ۳– خیلی‌ها را آزرده و عصبانی کرده بودم. با این وجود می‌دانم باز هم به حرف زدن ادامه خواهم داد، چون این کار یک جور خارش است که انگار در وجود همه هست.



◄فک ۱۵

نمایشگاه عکس رضا کیانیان در ماه مهر

دومین نمایشگاه عکس رضا کیانیان با نام «قار سوم» از دیروز ۲۲ آبان‌ماه در گالری «ماه‌مهر» برپا شد. این بازیگر سینما، تئاتر که در نمایشگاه قبلی‌اش «عکس‌های تنهایی» به تصویر کردن پوست درختان بیشتر بر وجوه زیبایی‌شناسی تکیه کرده بود، این بار در عکس‌هایش بیشتر بر نگاه مفهومی تمرکز کرده است. درباره نام این نمایشگاه اشاره شده است که برگرفته از صدای قارقار بلاغ است و تم مفهومی آن بر افسانه‌ها و اسطوره‌هایی که درباره این پرنده وجود دارد، تمرکز دارد و عکس‌ها بیشتر با رنگ‌های سفید و طیف‌های خاکستری تصویر شده‌اند. با توجه به مفهومی بودن این نمایشگاه فانک موسوسی با طراحی یک چیدمان و مانی بیات با طراحی صدا تلاش می‌کنند به انتقال مفاهیم عکس‌های این نمایشگاه کمک کنند. کیانیان در این نمایشگاه ۲۰ عکس ۱۵۰×۱۰۰ را به نمایش گذاشته است.

نمایشگاه «قار سوم» تا ۱۵ آذرماه در گالری ماه مهر به نشانی جردن، خیابان نیلوفر برپا خواهد بود.

◄زنده‌روح کرمانی: استفاده از روابط برای گرفتن عکس‌های حج

مهر: مسعود زنده‌روح کرمانی عکاس در مورد عکاسی از حج گفت: من شانس این را داشتم‌ام که هر دو حج تمتع و عمره را بروم و عکاسی نیز کنم. اصلاً ورود به دو شهر مکه و مدینه در عربستان برای غیرمسلمانان ممنوع است. از حدود ۳۰ کیلومتری این شهرها تابلویی نصب شده است که غیرمسلمانان حق ورود به آنها را ندارند. وی افزود: حتی گروه‌های فیلمسازی و تصویربرداري که قرار است وارد این شهرها شوند، باید همگی مسلمان باشند و اگر از کشورهای آمریکایی و اروپایی آمده باشند کسانی انتخاب می‌شوند که مسلمان باشند. برای همین عکاسی و فیلمبرداری در این دو شهر که مراسم حج در آنها انجام می‌شود، بسیار سخت است و مجوزی مستقل برای این کار به عکاسان حرفه‌ای داده نمی‌شود. زنده‌روح کرمانی سپس به نحوه عکاسی از مراسم حج اشاره کرد: در این چند باری که از مراسم حج عکاسی کردم با مشکلی به نام مجوز برای عکاسی مواجه نشدم چون در کل عکاسی ممنوع است. سیستم عربستان در این زمینه به سه بخش تقسیم می‌شود؛ بخش اول که حکومت است، بخش دوم که پلیس است و اصلاً در مورد عکاسی و فیلمبرداری دخالت نمی‌کند و بخش سوم سازمان امر به معروف و نهی از منکر است. این عکاس سازمان امر به معروف و نهی از منکر را بخشی معرفی کرد که جلوی عکاسی را می‌گیرد؛ این نهاد حفاظت از ساختمان‌ها و مکان‌های مذهبی را برعهده دارد و آنها هستند که جلوی عکاسی و فیلمبرداری را می‌گیرند. اگر قرار باشد عکاسی یا فیلمبرداری صورت بگیرد افرادی از این سازمان عکاسان و گروه فیلمبرداری را همراهی می‌کنند. وی در این مورد به ذکر مثالی پرداخت: در یکی از سفرها، گروهی آمریکایی در حال ساخت فیلمی درباره حج بودند اما یک تیم حفاظتی از آنها مراقبت و مکان‌هایی را که قرار بود در آنجا حمل و نقل کنند، کنترل می‌کرد. همزمان کمال تبریزی هم بخش‌هایی از فیلمش را در عربستان در حال ساخت داشت که او هم برای تصویربرداری هماهنگی کرده بود. زنده‌روح کرمانی در ادامه درباره مشکلات عکاسی از مراسم حج عنوان کرد: هرکسی که عکسی می‌گیرد یا فیلمبرداری می‌کند با هزار مشکل و در رفتن از دست مأموران امنیتی این کار را انجام می‌دهد. تنها مراسمی که به راحتی تصویربرداری از آن هماهنگ می‌شود، مراسم دعای کمیل در مسجداًنبی است. این عکاس اضافه کرد: به نظر تمام عکس‌هایی که عکاسان ما از مراسم حج می‌گیرند فوق‌العاده هستند چون با محدودیت گرفته شده‌اند و حتی برخی از عکاسانی که حین گرفتن عکس دستگیر شده‌اند، کتک خورده‌اند.

◄گالری ۱۵

نام‌نمایشگاه	عکاس	نام گالری	ساعت	اختتامیه
بچه‌های مدرسه	کاوه گلستان	شماره ۶	۱۶ الی ۱۹	۲۴ آبان
اسموتی: آبان	نمایشگاه گروهی	فرهنگسرای ابن‌سینا	۱۳ الی ۱۹	۲۵ آبان
مربع سکوت	داریوش کیانی	راه ابریشم	۱۱ الی ۱۹	۲۰ آذر
ناپ‌کدر	سعیدشمعانی	گالری گنجینه	۱۶ الی ۲۰	۲۸ آبان
چاپ‌حمران	نمایشگاه گروهی	فرهنگسرای گلستان	۹ الی ۱۹	امروز
قار سوم	رضا کیانیان	گالری ماه مهر	۱۱ الی ۱۹	۱۵ آذر
خانه خدا	منوچهر یگانه‌دوست	موزه هنرهای فلسطین	۱۰ الی ۱۸	۱۳ آذر